

رژیم حقوقی دریای مازندران

دکتر بهمن آقایی

1

سوابق تاریخی و موقعیت جغرافیایی، طبیعی و اقتصادی

دریاچه مازندران که بزرگترین دریاچه دنیا است فاقد راه آبی طبیعی به دریاهای آزاد جهان می‌باشد. این دریاچه فقط از کانالهای ایجاد شده از طریق رود ولگا به دریای سیاه متصل است. دریاچه مازندران از لحاظ حقوق بین‌الملل جزء آبهای بسته¹ به‌شمار می‌رود و فقط کشتی‌های دو کشور مجاور آن حق دریانوردی در آن را دارند. در بررسی حاضر ابتدا به شناسایی خصوصیات جغرافیایی، اقتصادی و تاریخی دریاچه مازندران می‌پردازیم و سپس رژیم حقوقی ویژه آن را با توجه به اسناد و قراردادهای موجود مورد مطالعه قرار می‌دهیم.

1. Closed sea.

دریاچه مازندران که به علت وسعت آن همواره دریای مازندران خوانده شده است در شمال سلسله جبال البرز قرار گرفته و در طول تاریخ اسامی متعددی داشته است. قدیمی‌ترین نام آن «هیرکانا» بوده و بعداً اسامی دیگری چون آبسکون، دریای طبرستان، دریای قزوین، دریای دیلم، دریای گرگان، دریای ساری و دریای خزر² به خود گرفته است. در حال حاضر رایج‌ترین نام آن در فارسی دریای مازندران است.

اطلاق نام «کاسپین» در زبانهای اروپایی به دریای مازندران به‌خاطر قوم کاسپی بوده که مانند قوم خزر در کرانه‌های دریای مازندران ساکن بوده‌اند.³

2. جواد نوشین: اوضاع تاریخی، سیاسی، اقتصادی و جغرافیایی شهرستان چالوس، انتشارات طهوری، شماره 80 از مجموعه زبان و فرهنگ ایران، تهران، 1355، ص 3.

3. خزرها نیرومندترین اقوام شمال قفقاز بودند که در آن سوی دریای مازندران، در سرزمینهایی که امروزه در قلمرو جمهوریهای اتحاد شوروی است، می‌زیستند. این قوم همواره در معرض تهدید امپراتوریهای اطراف خود بودند و هرچندگاه به شهرهای اران، ارمنستان و آذربایجان هجوم می‌بردند. خزرها در دوره حساسی از تاریخ خود برای جلوگیری از توسعه دامنه تسلط مسلمانان و یا گسترش امپراتوری بیزانس (روم) دین یهود را انتخاب کردند. «آرتور کستلر» در کتاب خزران می‌نویسد: «... در آغاز

بستگی ایرانیان به دریای مازندران دارای سابقه چند هزار ساله است و سرسبزترین استانهای ایران یعنی مازندران و گیلان در کنار آن قرار گرفته است.

از زمانهای قدیم بازرگانان و دریانوردان ایرانی طول و عرض دریای مازندران را همواره با کشتیهای بادبانی خود می‌پیمودند و به حمل کالا و مسافر از

قرن هشتم، جهان به صورت دو قطبی درآمده و در میان دو ابرقدرت به نام مسیحیت و اسلام تقسیم شده بود. تعالیم ایدئولوژیک آنها با سیاستی مبتنی بر روشهای کلاسیک تبلیغات و خرابکاری و فتوحات نظامی تلقیق گشته بود. امپراتوری خزر در حکم نیروی سومی بود که دوستی و دشمنی او برای هر دو طرف یک اندازه اهمیت داشت؛ لیکن این نیرو نمی‌توانست در صورت قبول مسیحیت یا اسلام، استقلال خود را حفظ کند، زیرا قبول هر یک از این دو، مستلزم سلطه امپراتور روم و یا خلیفه بغداد می‌بود.» (خزران، ص 70).

در جای دیگری کستلر از قول «مسعودی» نویسنده کتاب **مروج الذهب** می‌نویسد:

«پادشاه خزر به روزگار خلافت هارون الرشید به دین یهود گروید و گروهی از یهودیان نیز از بلاد اسلام و بلاد روم به آنها پیوستند... (ص 73). آرتور کستلر در اثر تحقیقی خود نتیجه گرفته است که قوم خزر پس از اینکه به تدریج از موطن اصلی خود پراکنده می‌شود، به سوی اروپا و کشورهای دیگر روانه می‌گردد. به نظر وی قسمت عمده یهودیان جهان از تبار ترک خزری هستند و نه اصل سامی و اعتقاد دایر بر وجود نژادی یهودی از بازماندگان اسباط بنی اسرائیل مردود و بی‌اعتبار است. برای اطلاعات بیشتر مراجعه شود به: آرتور کستلر: خزران، ترجمه محمدعلی موحد، شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، تهران، 1361.

رژیم حقوقی دریای... ❖ 193

کرانه‌ای به کرانه دیگر اشتغال داشتند. در کتاب **مسالك الممالك**، تألیف ابن اسحاق ابراهیم بن محمد فارسی اصطخری که در سال 350 ق. تألیف شده، آمده است: «... بازرگانان مسلمان به وسیله کشتی از این دریا (دریای مازندران) به زمینهای اقوام خزر و اران و جیل و طبرستان تردد می‌کنند».⁴

دریاچه مازندران از نظر وسعت پنج برابر دریاچه سوپریور که دومین دریاچه بزرگ دنیا است و در امریکای شمالی قرار گرفته، می‌باشد. شواهدی در دست است که در دوره‌های بین یخچالی کُره زمین که آخرین آن با زمان حاضر تقریباً یازده هزار سال فاصله دارد، بین دریای مازندران و دریای سیاه که به آبهای آزاد راه دارد از طریق درّه ماینچ در قفقاز ارتباط برقرار بوده است. هم‌اکنون بلندترین نقطه درّه ماینچ از سطح دریای آزاد 26 متر است. سطح آبی که سبب ارتباط دریای مازندران با دریای سیاه می‌شده حداقل ده متر از بلندترین نقطه

4. احمد بریمانی: دریای مازندران، انتشارات دانشگاه تهران، شماره 1526، تهران، 1355، ص 10.

دَرّه ماینچ بالاتر بوده است. اکنون سطح دریای مازندران از سطح آبهای آزاد 28 متر پایینتر است و بنابراین می‌توان گفت که سطح آن در دوره پلیوستوس، 64 متر بالاتر از سطح کنونی بوده است. دریای مازندران در آغاز، دریاچه‌ای با آب شیرین بوده است، ولی رودهایی که به آن می‌ریزند املاح معدنی را با خود به درون دریا حمل کرده و به تدریج شور می‌شود و آب آن تا میزان کنونی رسیده است.

در دریای مازندران یک جریان چرخشی برخلاف جهت عقربه ساعت وجود دارد. این جریان به دلایل متعددی به وجود آمده است که مهمترین آنها تبخیر شدید آب در نواحی شرقی و وزش بادهای شمال غربی به جنوب شرقی می‌باشد. این جریان سبب شده است که تقریباً همه رودهای سواحل جنوبی هنگام ریزش به دریا انحراف به راست داشته باشند و غیر از سفیدرود هیچ یک از رودهای سواحل ایران در دریای مازندران قادر به دلتاسازی نبوده است؛ زیرا محمولات آنها مغلوب اثرات امواج و جریان چرخشی آب دریاچه می‌گردد.

دریای مازندران دارای جزایر بسیاری است که تقریباً همه آنها فلاتی و شنی و محل مناسبی برای زندگی مرغان دریایی هستند. معروفترین جزایر نزدیک به ایران، آبسکون و آشوراده است. جزیره آبسکون به روایت تاریخ‌نویسان محل درگذشت سلطان محمد خوارزمشاه (617 ق.)⁵ بوده است. شبه جزیره میانکاله در نزدیک بندر ترکمن و شبه جزیره غازیان در بندرانزلی از جمله شبه جزایر دریای مازندران در سواحل ایران هستند.

درازای دریای مازندران 1205 تا 1280 کیلومتر و پهنای آن 202 تا 554 کیلومتر است. عریضترین نقطه آن کمی بالاتر از سواحل جنوبی در ایران است. وسعت دریای مازندران بالغ بر 244، 463 کیلومتر مربع می‌باشد. مجموع سواحل دریای مازندران 6379 کیلومتر است که 640 کیلومتر آن به خاک ایران اتصال دارد. گنجایش آب دریای مازندران 790 هزار کیلومتر مکعب است. ژرفای آب به‌طور متوسط 180 متر و عمق گودترین نقطه آن 980 متر است که نزدیک

5. بعدها این جزیره را آب‌فرا گرفته و اثری از آن باقی نمانده است.

سواحل ایران قرار دارد. دریای مازندران از لحاظ ژرفا به سه منطقه مشخص تقسیم می‌شود:

– بخش شمالی که کمترین عمق را دارد و بیشتر از 50 متر نیست.

– بخش مرکزی که گودی آن در برخی نقاط تا 890 متر می‌رسد. این بخش به وسیله یک سلسله برجستگیهای زیردریایی که در امتداد کوههای قفقاز واقع در شوروی و کوههای کپه داغ در شمال شرقی ایران است از بخش جنوبی جدا می‌شود. دو انتهای این برجستگیهای زیردریایی به صورت شبه جزایر آبشوران و چله‌کن ظاهر شده‌اند.

– بخش جنوبی که گودترین نقاط دریای مازندران است و عمق آن تا 980 متر می‌رسد.

مسدود بودن دریای مازندران به نوسانهای قابل ملاحظه‌ای طی چندین سال در سطح آب منجر شده است. در نتیجه این تغییرات سطح آب از سال 1930 تا سال 1941 به سرعت پایین آمده و از سال 1952 تا سال 1970 با آرامی نسبی کاهش یافته است. این امر به خاطر تغییرات طبیعی و

رژیم حقوقی دریای... ❖ 197

نیز فعالیت‌های بهره‌برداري از دریای مازندران و رودهایی که به آن می‌ریزند، رخ داده است.⁶

در مشرق دریای مازندران، خلیج کم عمق و بسیار شور قره بغاز قرار دارد. از آنجایی که هیچ رودی به این خلیج نمی‌ریزد و سطح تبخیر آن بسیار بالا است، همیشه سطح آب آن از دریای مازندران پایین‌تر است و آب همواره به سوی خلیج قره بغاز در جریان می‌باشد. امروزه سطح خلیج قره بغاز حدود چهار متر از سطح دریای مازندران پایین‌تر است. در گذشته وضعیت این خلیج تأثیر زیادی در امر تقلیل سطح آب دریای مازندران داشته است و مقامات روسی اقداماتی جهت تنظیم سطح آب دریای مازندران با مسدود کردن دهانه خلیج قره بغاز به عمل آورده‌اند.⁷

6. درباره مسائل مربوط به تغییر سطح آب دریای مازندران رک. به:

فرهنگ شیبانی: مسائل و مشکلات و کم و زیاد شدن سطح آب دریای خزر، انتشارات وزارت نیرو، تهران، بهمن ماه 1324. همچنین:

G.E. HOLLIS: "The falling levels of the Caspian and Aral seas" Geographical journal, No. 144, Mar. 1978, p. 62-80. FRED PEARCE: "Fall and Rise of the Caspian sea", New Scientist, 6 Dec. 1984, London.

7. مسائل و مشکلات و کم و زیاد شدن سطح آب دریای خزر، ص 20.

ترقي و توسعه اقتصادي، مسائل متعددي را براي حفظ شرايط آبشناسي (هيدورولوژيك) دريائي مازندران مطرح نموده است. دانشمندان عقیده دارند كه اگر براي جلوگیری از آلودگي دريائي مازندران چاره‌اي اندیشیده نشود، امکان دارد دريائي مازندران به مردابي مبدل گردد. اين دريا در حال حاضر از لحاظ منابع ماهي و نيز ذخاير معدني و نفتي حائز اهميت به‌سزايي است. ماهيهائي دريائي مازندران عبارتند از: استروژن (ازون برون)، آزاد، سفید، اردك ماهي، عبارتند از: استروژن (ازون برون)، آزاد، سفید، اردك ماهي، اس ماهي، كپور، سيم، تاس ماهي، كفال، ماش، نیل ماهي، زردك، مارماهي، سوف ماهي و اسپلي.

دريائي مازندارن از جهت مبادلات نيز امكانات وسيعي در اختيار دو کشور ايران و شوروي قرار داده است. از طريق دريائي مازندران نه تنها مي‌توان به شيوه‌اي اقتصادي اقدام به حمل محمولات ايران و شوروي نمود بلکه حمل ترانزيتي كالاهاي ساير كشورها مي‌تواند منشأ درآمد قابل ملاحظه‌اي باشد. هم‌اکنون طرحهائي براي

ایجاد خط کشتیرانی مشترک دو کشور وجود دارد.

ب- وضعیت حقوقی

دریای مازندران دارای وضعیت ویژه حقوقی منحصر به خود⁸ است. نظام حقوقی دریای مازندران به وسیله قراردادها و عهدنامه‌های منعقد شده بین دو دولت ساحلی آن یعنی ایران و شوروی تعیین شده است. مقررات جاری حقوق بین‌الملل عمومی درباره دریای آزاد و مناطق دریایی دولتهای جهان شامل دریای مازندران نمی‌گردد. در کنوانسیونهای بین‌المللی مربوط به حقوق دریاها نیز وجود رژیمهای خاص و تاریخی درباره مناطق دریایی به رسمیت شناخته شده است. بدین ترتیب، مسائلی نظیر دریای سرزمینی و منطقه نظارت، منطقه انحصاری اقتصادی، فلات قاره (به مفهوم حقوقی آن) و دریای آزاد در دریای مازندران مطرح نیست. در قراردادها و عهدنامه‌های منعقد شده بین دو دولت نیز اشاره‌ای به اینگونه اصطلاحات حقوق دریاها نشده است.

8. Sui generis.

1- وضعیت حقوقی دریاچه‌های مشابه

وضعیت حقوقی دریاچه «لادوگا» بین فنلاند و شوروی که طی معاهده 1920 «دورپات»⁹ تعیین شده است مشابهت زیادی به رژیم حقوقی دریای مازندران دارد. در این دریاچه به موجب معاهده فوق‌الذکر حضور کشتیهای دولت ثالث منع شده و در عین حال مرز مشخصی برای دو دولت ساحلی آن تعیین نگردیده است. بعد از تحولاتی که در نواحی مرزی شوروی و فنلاند رخ داد، اینک دریاچه مزبور تماماً در خاک شوروی است.

نگاهی به وضعیت حقوق دریاچه‌های پنجگانه بین ایالات متحده و کانادا نیز می‌تواند از لحاظ مقایسه‌ای جالب توجه باشد. وضعیت حقوقی دریاچه‌های مزبور از جهت حدود مرزی و رفت و آمد کشتیها و هواپیماها و غیره براساس معاهدات موجود تعیین شده است. ماده 11 از عهدنامه «و بستر آشبورتون»¹⁰ منعقد شده در اوت 1842

9. League of Nations Treaty Series, Vol. 18/217.

10. Treaty between the United States of America and Great Britain, 9 Aug. 1842 Boudary, Slave Trade Extradition, (Webster Ashburton Treaty), Treaty Series, 119, U.S. Printing Office, Washington 1942.

درباره دریاچه‌های «سوپریور» و «وودز» مقرر می‌دارد که حمل و نقل آبی جهت اتباع دو کشور آزاد و بلا مانع است. در قرارداد آبهای سرحدی بین دو دولت که در سال 1909 منعقد گردیده¹¹ و مهمترین سند مربوط به دریاچه‌های پنجانگانه می‌باشد، آزادی کشتیرانی در این دریاچه‌ها تصریح شده است. ماده 1 از قرارداد اخیرالذکر مقرر می‌دارد: «دول متعاقد موافقت می‌کنند که کشتیرانی در تمامی آبهای مرزی برای همیشه آزاد بوده و به‌منظورهای مسافرت برای اهالی و کشتیرانی و قایقرانی دو طرف بالسویه آزاد خواهد بود...».

2- قراردادهای موجود درباره وضعیت حقوقی دریای مازندران

وضعیت حقوقی دریای مازندران نیز همانگونه که گفته شد براساس قراردادها و معاهدات بین ایران و شوروی تعیین شده است.

11. Treaty Between U.S.A. and Great Britain Relating to Boundary Waters and questions arising between United States of America and Canada, 1909.

قرارداد 1921 مودت بین ایران و شوروی¹² حقوقی را که به موجب عهدنامه 1828 ترکمانچای به صورت تحمیلی از کشتیهای ایرانی در دریای مازندران سلب کرده بودند مجدداً اعاده نمود. به موجب فصل یازدهم قرارداد 1921 طرفین حق دارند در کلیه نقاط دریای مازندران بالسویه به کشتیرانی آزاد بپردازند¹³ و

12. فصول پنجم و ششم این قرارداد که مربوط به مسئله امکان تهدید رژیم سوسیالیستی شوروی توسط روسهای سفید بوده، از جانب دولت ایران بلاموضوع و کان لم یکن اعلام شده است. دولت ایران پیش از انقلاب اسلامی نیز معتقد به بلاموضوع بودن فصل پنجم و ششم عهدنامه 1921 بود؛ لیکن پس از انقلاب اسلامی، شوروی انقلاب در 1358/8/19 صریحاً مسئله کان لم یکن بودن فصول مزبور را تصویب کرد. این مطلب در مرداد 1359 نیز طی نامه‌ای توسط وزیر خارجه جمهوری اسلامی ایران ضمن نامه‌ای به دبیرکل سازمان ملل اعلام گردیده و به صورت سند زیر در سازمان ملل ضبط شده است:

NV/80/65, UN Lib., Aug 25, 1980, UN/SA Collection.

همچنین در 1363/8/20 آقای مجتبی میرمهدی معاون حقوقی وزارت خارجه ایران در مصاحبه‌ای دلایل ایران را برای بلاموضوع بودن فصول فوق‌الذکر که براساس اصل تغییر اوضاع و احوال (Rebus sic stantibus) و نیز مغایرت آن با اصول حقوق بین‌الملل بود، تشریح نمود (روزنامه اطلاعات 63/7/20).

13. متن کامل فصل یازدهم عهدنامه مودت 1921 بین ایران و روسیه (اتحاد شوروی) مورخ هشتم حوت 1299 شمسی مطابق 26 فوریه 1921 میلادی به شرح زیر است: «فصل یازدهم: نظر به اینکه مطابق اصول بیان شده در فصل ششم این عهدنامه، عهدنامه منعقد در دهم فورال 1828 مابین ایران و روسیه در ترکمانچای نیز که فصل هشتم آن حق داشتن بحریه را در بحر خزر از ایران سلب نموده بود از

رژیم حقوقی دریای... ❖ 203

هیچ‌گونه محدودیتی برای حرکت کشتیهای طرفین در دریای مازندران وجود ندارد. مواد 12 و 13 از عهدنامه 1940 بین ایران و شوروی که قرارداد بازرگانی و بحریمایی نامیده می‌شود بر حق کشتیرانی آزاد طرفین در کلیه نقاط دریای مازندران تأکید نموده و این مسئله را با جزئیات بیشتری مطرح کرده است. در این قرارداد پیش‌بینی شده که با کشتیهای هر یک از طرفین در بنادر طرف دیگر از هر حیث مثل کشتیهای ملی رفتار می‌شود (بندهای 1 و 5 از ماده 12).

3- رژیم حقوقی کشتیرانی در دریای خزر

متأسفانه برخی منابع از روی عمد یا سهو، نقاط بین دو مرز زمینی از بندر آستارا تا بندر حسینقلی را در مرز ایران و شوروی به‌وسیله خط مستقیمی، به‌یکدیگر متصل کرده و آن را خط فرضی

درجه اعتبار ساقط است، لهذا طرفین معظمین متعاهدین رضایت می‌دهند که از زمان امضای این معاهده هر دو بالسویه حق کشتیرانی آزاد در زیربیرقهای خود در بحر خزر داشته باشند».

(به نقل از مجموعه قراردادها، جزوه شماره 2: «قراردادهای ایران و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی»، وزارت امور خارجه، تهران، 1338، ص 88).

مرز دو کشور در دریای مازندران تلقی نموده اند.¹⁴ این برداشت به هیچ وجه صحیح نیست و در دریای مازندران مرزی بین دو کشور تعیین نگردیده است.

در نامه های ضمیمه عهدنامه 1940، دریای مازندران به کرات «دریای ایران و شوروی» خوانده شده است. در این نامه ها طرفین همچنین متعهد می شوند «اتباع کشورهای ثالث که در کشتیهای طرفین متعاهدتین و در بندرهای واقع در دریای مازندران مشغول خدمت هستند، از خدمت و توقف خود در کشتیها و بنادر برای مقاصدی که خارج از حدود وظایف خدمتی محوله به آنها باشد استفاده ننمایند». تنها شرطی که برای کشتیرانی وجود دارد در باب دول ثالث است و طرفین حق ندارند که اجازه کشتیرانی در دریای مازندران را به دولت ثالثی بدهند. در این زمینه فصل سیزدهم از قرارداد بازرگانی و بحریمایی مقرر می نماید:

14. برای نمونه رک. به کتاب «راهنمای حقوق بین الملل مربوط به بحریه نظامی»، چاپ مسکو، 1966، فصل پنجم که تحت عنوان «نظام حقوقی دریای خزر و نظام آبهای سطح دریای خزر» مرتکب همین اشتباه شده است.

«طرفین متعاهدتین برطبق اصولی که در عهدنامه مورخ 26 فوریه 1921 بین ایران و جمهوری متحده سوسیالیستی روسیه اعلام گردیده است موافقت دارند که در تمام دریای مازندران کشتیهای به جز کشتیهای متعلق به ایران یا به اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی یا متعلق به اتباع و دستگاههای بازرگانی و حمل و نقل کشوری یکی از طرفین متعاهدتین که زیر پرچم ایران یا پرچم اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی سیر مینمایند نمیتوانند وجود داشته باشند».

4- رژیم حقوقی ماهیگیری در دریای مازندران

در سال 1927 ماهیگیری بین ایران و شوروی در دریای مازندران امضا شد که در آن توافقهایی برای ایجاد یک شرکت مشترک ماهیگیری و دادن امتیاز ویژه ای بدان که 25 سال اعتبار داشت، پیشبینی شده بود. برخی منابع نگران بودند که با انعقاد این قرارداد روسها بتوانند سلطه جدیدی

بر دریای مازندران کسب نمایند؛¹⁵ ولی در سال 1953 ایران این قرارداد را تمدید نکرد. برخی هنوز معتقد بودند که دولت ایران نمی‌باید تا 25 سال امتیاز شیلات را به دولت ثالثی بدهد که البته این مدت هم حتی اگر فرض وجود آن را در نظر بگیریم، تمام شده است.

درباره رژیم ماهیگیری در دریای مازندران قرارداد 1940 بازرگانی و بحریمایی دارای مقررات بسیار واضح و روشنی است و صرفنظر از یک محدوده ده مایلی از نوار ساحلی که به‌طور انحصاری از لحاظ ماهیگیری به طرفین تعلق دارد، صید ماهی در سرتاسر مابقی دریای مازندران برای هر دو کشور آزاد اعلام شده است. بند 4 ماده 12 قرارداد 1940 مقرر می‌نماید:

«4- صرفنظر از مقررات فوق هر یک از طرفین متعاهدین، ماهیگیری را در آبهای ساحلی خود تا حد ده‌مایل دریایی به

15. WILLIAM R. BUTLER "The Soviet Union and the Law of the Sea", John Hopkins press, 1971, p. 101.

در کتاب فوق به منبع روسی زیر استناد شده است:
BAKHOV: Voенno- morskoi spravochnik, p. 258, BARABOLIA: Voennomorskoi spravochnik, p. 325.

کشتیهای خود اختصاص داده و این حق را برای خود محفوظ می‌دارد که واردات ماهیهای صید شده از طرف کارکنان کشتیهای را که زیرپرچم او سیر می‌نمایند از تحقیقات و مزایای خاصی بهره‌مند سازد».¹⁶

5- کشتیهای جنگی

مقررات عهدنامه‌های فوق‌الذکر هیچ‌گونه تمایزی بین کشتیهای تجاری و جنگی قائل نشده است و بدین ترتیب به نظر می‌رسد انواع ناوهای جنگی طرفین برای کشتیرانی در دریای مازندران آزاد هستند؛ منتهی همانطور که حقوقدانان روسی گفته‌اند، لازم است اجازه دولت طرف مقابل را برای منظور کسب نمایند. توضیح اینکه حقوقدانان روسی معتقدند گرچه مقررات برای کشتیهای جنگی پیش‌بینی شده است، ولی «اصول عمومی پیمانها و منافع مشترک در امنیت ملی ایجاب می‌نماید که کشتیهای جنگی که يك طرف قبلاً برای ورود به آبهای طرف دیگر اجازه کسب کنند».¹⁷

16. مجموعه قراردادها، ص 278.

17. WILLIAM R. BUTTER: "The Soviet Union and..." Ibid., p. 103.

6- پرواز بر فراز دریای مازندران

پرواز بر فراز دریای مازندران و نیز مسئله منابع بستر آن از جمله مواردی است که در قراردادهای بین دو کشور به طور صریح اشاره ای به آنها نشده است. این امر تا حدودی ناشی از شرایط زمانی انعقاد قراردادها و از سوی دیگر به خاطر آگاهی بر روح کلی مشاع و مشترک بودن دریای مازندران است. با توجه به روح کلی عهدنامه های مربوط به دریای مازندران و نیز با تسری بخشیدن اصولی که درباره کشتیرانی و ماهیگیری در دریای مازندران پیش بینی شده است، می توان نتیجه گرفت که پرواز بر فراز این دریا، چه از لحاظ هواپیماهای تجاری و چه هواپیماهای نظامی برای طرفین آزاد است. تنها محدودیت موجود را می توان ناشی از ماده 13 قرارداد بازرگانی و بحریمای مورخ 1940 دانست که دول ثالث را از حق کشتیرانی در دریای مازندران محروم می نماید. بدین ترتیب پرواز بر فراز دریای مازندران نیز منحصر به

دولتها و اتباع طرفین است و بالطبع اجازه پرواز بر فراز خاک دو کشور شامل پرواز بر فراز دریای مازندران نمی‌شود. در موافقتنامه هوایی مورخ 1964 بین ایران و شوروی اشاره‌ای به مسئله پرواز بر فراز دریای مازندران نشده است؛¹⁸ لیکن برای تعیین محدوده منطقه اطلاعات پرواز¹⁹ از خط فرضی آستارا به بندر حسینقلی استفاده شده است و خط مستقیمی محل تلاقی مرز خاکی ایران و شوروی در طرفین دریای مازندران را به یکدیگر وصل می‌کند. البته چنین امری هیچ‌گونه تأثیری بر حاکمیت دو کشور بر دریای مازندران ندارد. منطقه اطلاعات پروازی اثری در افراز مرز ندارد و براساس مسائل فنی مربوط به ایمنی هوانوردی و امکانات فنی کشورها از لحاظ کنترل پرواز هواپیماها تعیین می‌گردد. برخی کشورها به علت فقدان امکانات فنی و یا سهولت در امر هوانوردی، محدود این منطقه را از داخل قلمرو خود به کشور دیگری واگذار نموده‌اند. برای نمونه مرکز کنترل پرواز

18. حقوقدانان روسی درباره پرواز هواپیماهای جنگی نیز همان نظر مربوط به کشتیهای جنگی را دارند که ذکر شد.

19. Flight of information region.

بحرین، پرواز بر فراز کشورهای کویت، قطر و امارات عربی متحده را کنترل می‌نماید.

7- مبارزه با آلودگی دریای مازندران

نکته دیگری که باید متذکر شد مربوط به مسائل ناشی از آلودگی دریای مازندران و توافقی‌های دو کشور ساحلی برای جلوگیری و تقلیل آلودگی آب آن است. استفاده از سموم مختلف و نیز برنامه‌های توسعه، به‌ویژه عملیات حفاری و ایجاد سکوه‌های نفتی در سواحل روسی دریای مازندران باعث به‌وجود آمدن مسئله آلودگی آن گردیده است.²⁰

20. استخراج نفت توسط شوروی از دریای مازندران در سال 1976 معادل 220 هزار بشکه در روز بوده و بیشترین فعالیت در حوالی باکو صورت گرفته است؛ در حالی‌که ایران تاکنون فقط با عملیات لرزه‌نگاری و اکتشافی به‌وجود منابع غنی نفت و گاز در دریای مازندران پی برده است. عملیات برداشت نفت و گاز توسط شوروی از این منطقه بین 15 تا 20 سال قدمت دارد. مقامات ایرانی مصمم به بهره‌برداری از منابع دریای مازندران هستند و مذاکرات ایران و شوروی در این مورد موجب امضای یادداشتی شده که براساس آن طرف شوروی موافقت اصولی خود را نسبت به همکاری در امر عملیات حفاری جهت بهره‌برداری از منابع نفت و گاز اعلام نموده است (به نقل از روزنامه جمهوری اسلامی، مورخ 1365/6/5، ص 7: «گزارشی پیرامون بهره‌برداری از منابع نفت و گاز دریای خزر».

براساس موافقتنامه همکاری علمی و فنی و فرهنگی مورخ 25 فوریه 1971 (1950)، ایران و شوروی در سال 1351 تفاهم‌نامه‌ای امضا کردند. بند 2 این تفاهم‌نامه تصریح نموده که طرفین بررسی زیست محیطی دریای مازندران را ادامه خواهند داد و برای این منظور در زمینه مبادله اطلاعات و اسناد فنی و هیئت‌های علمی و تخصصی همکاری خواهند کرد. در عین حال در سال 1973 توافق شده که یک گروه کار دائمی برای بررسی و پیگیری اقدامات مربوط به جلوگیری از آلودگی دریای مازندران تشکیل شود. گروه کار مزبور هفتمین جلسه خود را در سال 1362 در تهران برگزار نمود و متعاقباً یادداشت تفاهم جدیدی بین دو کشور به امضا رسید. در اسناد مربوط به اجلاسهای گروه کار دائمی جلوگیری از آلودگی دریای مازندران، در برخی موارد از عباراتی نظیر «قسمت جنوبی دریای مازندران» استفاده شده است که بدون تردید نمی‌تواند تأثیری در رژیم حقوقی کلی دریای مذکور که حالت مشاع و مشترک دارد داشته باشد.

ج - نتیجه‌گیری

منابع بستر دریای مازندران با توجه به همین امر به دولتهای ایران و شوروی تعلق دارد و طرفین بالسویه می‌توانند از آنها بهره‌برداري نمایند. البته برای تعیین جزئیات اینگونه فعالیتها احتیاج به هماهنگی وجود دارد.

در یکی از کتب راهنمای حقوق بین‌الملل که در شوروی منتشر شده است صریحاً اشاره گردیده که منابع فلات قاره دریای مذکور متعلق به دولتهای ایران و شوروی است. این مطلب را ویلیام باتلر محقق امریکایی که درباره مسائل مربوط به حقوق دریاها در شوروی تخصص دارد ضمن مقاله‌ای در نشریه امریکایی «حقوق بین‌الملل» مطرح نموده است.²¹

با توجه به آنچه گفته شد می‌توان نتیجه گرفت که صرفنظر از يك محدوده ده مایلی انحصاری ماهیگیری، تمامی دریای

21. BUTLER (W.E), "The Soviet Union and the Continental Shelf", Notes and comments, American Journal of International Law, 1969, Vol. 63, p. 106.

در مقاله فوق‌الذکر به منبع روسی زیر استناد شده است:
P.D.BARABOLIA et VOENNO-MORSKOI MEZHDU: Narendo-provoi, spravochnik, (Naval Int. Law Manual) 1966, p. 373.

مازندران تحت حاکمیت‌های دولتهای ایران و شوروی به‌طور مشاع و مشترک قرار دارد و استفاده از عبارتی نظیر «مرز ایران و شوروی در دریای مازندران» معنای درستی ندارد؛ چرا که موضوع این حاکمیت افراز نشده است.